



نگاه

کنسرت «تجربه جاودانگی تکرار» در مجموعه تئاتر پایتخت

گروه «میدان آزادی» قرار است هفتم بهمن به اجرای کنسرتی با عنوان «تجربه جاودانگی تکرار» در مجموعه تئاتر پایتخت بپردازد. در این کنسرت، فرزاد فرهنگ‌مهر و سپهر آرین به عنوان نوازنده گیتار حضور دارند. همچنین میلاد رحیمی خواننده گروه «میدان آزادی» است و بهنام برکادی نوازنده‌درامز و نیما راوندی یکی دیگر از خوانندگان این گروه‌است.



کنسرت «شب‌های جنوب» در فرهنگسرای نیاوران

فرهنگسرای نیاوران در روزهای هفتم و هشتم بهمن‌ماه میزبان کنسرت تازهای با عنوان «شب‌های جنوب» می‌شود. در اجرای روز هفتم بهمن‌ماه هنرمندانی چون قنبر راستگو و گروه‌سلیدون مشتمل بر نوازنده‌گانی مثل مجید سالاری، حمزه یگانه، ابراهیم علوی، مهرداد علیزاده و ... به اجرای برنامه می‌پردازند. همچنین در شب دوم گروه «داماهی» حضور دارند.



کنسرت رسییتال ویولن و پیانو در دانشگاه تهران

علاقه‌مندان به موسیقی کلاسیک می‌توانند برای تماشای کنسرتی با محور کنسرت رسییتال ویولن و پیانو روز ۱۸ بهمن‌ماه به دانشگاه تهران بروند و این کنسرت را مشاهده کنند. در این کنسرت که در تالار شهید آوینی دانشگاه تهران برگزار می‌شود، امیرحسین نوروزنصری نوازنده ویولن و حامد محمودی به عنوان نوازنده پیانو به اجرای برنامه می‌پردازند.



شروین مهاجر، نوازنده کمانچه و استاد دانشگاه:

آموزش موسیقی در شرایط فعلی شکست خورده است



یک: برگزاری رویدادی با عنوان «کنسرت چند شب دونواری همساز» که در روزهای اخیر به همت افشین معصومی برپا شده به طور قطع اتفاق خوشایندی درعرصه موسیقی معاصر به شمار می‌رود. در تازه‌ترین برنامه‌ای که روز ششم بهمن ماه در تالار رودکی برگزار شده است، من به همراه مهرزاد اعظمی کیا یکی از بهترین شاگردانم به دونواری کمانچه پرداختم. آنچه مسلم است اینکه در شرایطی که موسیقی اصیل ایرانی به دلایل مختلف به حاشیه رانده شده، برگزاری برنامه‌هایی از این دست را می‌توان به فال نیک گرفت. شاید به این خاطر که محور اصلی برنامه «چندشب دونواری» پیش از هر چیز به سازهای اصیل ایرانی اختصاص یافته است؛ آن هم در روزگاری که موسیقی سنتی ما تا حدود زیادی خواننده‌محور شده و اغلب کنسرت‌ها متکی به حضور خواننده شده است. طبعاً چنین کنسرت‌هایی می‌تواند مردم را با سازهای ایرانی بیشتر آشنا کند؛ هرچند تعداد مخاطبانی که این شب‌ها به تماشای کنسرت «چندشب دونواری» می‌نشینند محدود است ولی استقبال همین تعداد خاص از مخاطبان نسبت به موسیقی بدون خواننده را باید اتفاقی خوشایند تلقی کرد.

دو: موسیقی معاصر در سال‌های اخیر با مشکلات زیادی مواجه بوده است. مساله داندلدهای غیرقانونی و همین‌طور رعایت نشدن حق کپی‌رایت از سوی مخاطبان درواقع موسیقی کیفی را در سراسرایی سقوط قرار داده است. شاید به همین خاطر است که می‌بینیم در سال‌های اخیر، هنرمندان در شاخه‌های مختلف این حیطه دیگر اشتیاق و تمایلی نسبت به انتشار آلبوم ندارند. تردیدی نیست که سیاستگذاران فرهنگی و برخی نهادها چون صداوسیما می‌توانستند خیلی پیش از این در بازآزادنگی چنین آسیبی نقش داشته باشند، ولی واقعیت این است که صداوسیما بدون اجازه هنرمندان آثار آنها را از رادیو و تلویزیون پخش می‌کند و کسی هم عملانی‌تواند مقابل این جریان بایستد. درعین حال دیگر مراجع قانونی چون انجمن موسیقی، خانه موسیقی، دفتر موسیقی و ... هم در این سال‌ها نشان داده‌اند که عملاً کاری از دست‌شان برای مقابله با رعایت نکردن کپی‌رایت برنمی‌آید. همه این مسائل باعث شده موسیقی بیش از گذشته به انزوا کشیده شود و جای آثار کیفی و مطلوب را که می‌تواند در ارتقای سطح شنیداری مخاطبان یک جامعه نقش به‌سزایی داشته باشد، موسیقی نازل بگیرد.

سه: نکته دیگری که در حال حاضر در حوزه موسیقی به عنوان یک آسیب و اشکال وجود دارد نبود انسجام کافی و لازم میان هنرمندان این عرصه و فاصله گرفتن آنها از صنفی است که می‌تواند خانه دوم و حامی هنرمندان باشد. ولی متأسفانه در این سال‌ها می‌بینیم بین صنفی چون خانه موسیقی و هنرمندان این وادی فاصله زیادی وجود دارد و این نهادها نتوانسته‌اند در برآورد کردن انتظارات هنرمندان تأثیرگذار باشند. طبیعی است هنرمندی که در عرصه موسیقی کار می‌کند فقط نیازمند بیمه و پرداخت حق عضویت نیست؛ بلکه مسائل دیگری در حوزه موسیقی وجود دارد که ضرورت دارد هنرمند به کمک نهادها و صنفی از این دست آنها را مرتفع کند. ما سال‌هاست در گفت‌وگو با رسانه‌ها به این مساله اشاره می‌کنیم که دل‌مان می‌خواهد خانه موسیقی فعال و پویا باشد و ای کاش پیشگسوتانی که در خانه موسیقی فعالیت دارند صدای همه هنرمندان این وادی را بشنوند و نگاه‌شان فقط به سمت‌وسوی عده‌ای خاص از هنرمندان محدود نماند.

چهار: موسیقی اصیل ایرانی در سال‌های اخیر به شدت مورد ظلم واقع شده است؛ همه تولید آثاری در حیطه موسیقی پاپ و میدان دادن بیش از حد در جامعه به این نوع موسیقی از یک سو و مشکلات اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر باعث شده بین مردم و موسیقی اصیل ایرانی فاصله زیادی ایجاد شود. هرچند تصوری کم در این زمینه رسانه‌ها هم تا حدود زیادی مقصردن، به این خاطر که امروز می‌بینیم برخی از رسانه‌ها به جای اهمیت دادن به موسیقی جدی به اخبار و حواشی زرد موسیقی پاپ پرداخته‌اند و گاه می‌بینیم یک رسانه‌ها اصل اندازه‌ای شان خود را پایین می‌آورد که به پوشش خبر مراسم تولد یکی از هنرمندان عرصه پاپ می‌پردازد.

پنج: هرچند همیشه بر این باور بوده‌ام که در حوزه موسیقی خانه از پای نیست ویران است، به‌طوری که یکی از مسائل جدی که باید به آن رسیدگی شود آموزش پر از ایراد موسیقی در شرایط کنونی است. آموزش موسیقی در سال‌های اخیر در حالی در هنرستان‌ها و دانشگاه‌های موسیقی صورت می‌گیرد که ضرورت دارد سرفصل دروس دانشگاهی و هنرستانی موسیقی به طور کلی کنار گذاشته شده و دروس به‌روزتری جایگزین آن شود. می‌توان گفت وضعیت آموزش موسیقی در شرایط کنونی شکست خورده است. در عین حال از لطامت جریان ناپذیر آموزشگاه‌های موسیقی نیز نمی‌توان غافل بود. در سال‌های اخیر با رشد روزافزون مجوز برای تأسیس آموزشگاه‌های موسیقی مواجه بوده‌ایم، ولی واقعاً سئوالی که در این بین پیش می‌آید این است که چند درصد متولیان و موسسان آموزشگاه‌های موسیقی واقعا متخصص این حیطه هستند و می‌توانند در آموزش اصولی موسیقی به نسل جوان تأثیرگذار باشند؟!

درست است که در شکل‌گیری و بالندگی هنرمند عواملی مثل مستعد بودن ذاتی خود فرد و پشتکار او نقش دارد، اما برخی براین باورند که در مطرح شدن یک هنرمند مجموعه‌ای از عوامل بیرونی هم می‌تواند تعیین‌کننده باشد، به‌خصوص در زمینه خوانندگی این مساله نمود بیشتری دارد. نظر شما دراین باره چیست؟

به نظر می‌رسد اول باید دید تعاریف نسبت به مطرح شدن و موفق بودن یک هنرمند چیست. چون امروز در عرصه هنر به‌ویژه موسیقی، تعاریفی از این دست تا حدودی مخدوش شده است. یعنی گاه می‌بینیم هنرمندانی دراین عرصه فعالیت می‌کنند که سابقه و پیشینه هنری به آن شکل ندارند و به‌نوعی تازه کار هستند، ولی به وقت برگزاری کنسرت، تمام بلیت‌هایشان به فروش می‌رود و به قولی سولدات می‌شوند. این افراد که امروز تعدادشان در موسیقی کم هم نیست، از دیدگاه عامه مردم به‌عنوان هنرمند موفق شناخته می‌شوند و شاید همان‌طور که اشاره کردم، تعداد کنسرت‌ها و همین‌طور اقبال مادی و معنوی که از آن رهگذر به دست می‌آورد به‌مراتب از هنرمند پیشگسوتی که سال‌هاست دراین عرصه فعالیت می‌کند و تلاش دارد کار کیفی ارائه دهد بیشتر باشد. اساساً آنچه شما در سوال مطرح می‌کنید به یک جور آشننگی در حوزه موسیقی معاصر برمی‌گردد و ما باید علاوه بر اینکه هنرمندان به‌مقد حرکت‌هایی فردی، مقابل چنین جریان‌ی بایستند، سیاستگذاران فرهنگی هم تهفیدی برای تفکیک هنرمند واقعی از غیر واقعی ببینند.

فکر می‌کنم آشننگی‌ای که دارید اشاره می‌کنید بیشتر به همه کنسرت‌های موسیقی پاپ برمی‌گردد؟

درست است، می‌توان گفت بروز آشننگی‌ها در سال‌های اخیر باعث شده چندان که اشاره کردم، سره از ناسره در موسیقی مشخص نباشد و از همه مهم‌تر اینکه موسیقی اصیل ایرانی به حاشیه رانده شود. دلایلش هم این است که این نوع موسیقی، امروز بسیار مظلوم واقع شده است. به‌وقت برگزاری کنسرت هنرمندانی که در عرصه موسیقی سنتی فعالیت، تبلیغات و اطلاع‌رسانی مطلوبی صورت نمی‌گیرد، فرهنگ‌سازی نسبت به این نوع موسیقی در جامعه انجام نمی‌شود و خلاصه بسیاری از این مسائل باعث شده موسیقی پاپ که در مقایسه با موسیقی سنتی از پیشینه و اصالت برخوردار نیست، امروز پرنرنگ‌تر در جامعه در معرض دید مخاطبان قرار بگیرد.

البته این آسیب فقط مختص موسیقی نیست و به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، تعدادی از مخاطبان شاخه‌های فرهنگی-هنری بیشتر تمایل دارند آثاری در قالب مینی‌مال به آنها ارائه شود؛ آثاری که دمی آنها را خوشحال کند و زیاد هم روی آن اثر مکت و تأمل نکنند؟

درست است، من هم براین باورم که امروز مردم بیش از گذشته به سمت فست‌فود رفته‌اند، البته منظورم از فست‌فود فقط غذای جسم نیست، این مساله همان‌طور که اشاره کردید شامل غذای روح نیز می‌شود. چندان که

اغلب مخاطبان تمایل دارند موسیقی‌ای گوش بدهند که خیلی هم درگیرش نباشند و به‌شعر و آرزش موسیقایی آن هم فکر نکنند. به همین خاطر به سمت‌وسوی موسیقی پاپ می‌روند. در حالی که شنیدن موسیقی سنتی نیازمند تفکر و تأمل است و طبعاً مخاطبی که دارای چنین خصوصیاتی است می‌تواند به شنیدن این نوع موسیقی بپردازد یا از یک دستگاه موسیقی لذت ببرد. بنابراین تصور می‌کنم ضرورت دارد نسبت به این مقوله فرهنگ‌سازی جدی صورت بگیرد. رسانه‌ها می‌توانند دراین زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. ولی دراین ارتباط رسانه‌ای چون صداوسیما هنوز موسیقی را با تکلیف است‌وساز در تلویزیون نشان داده نمی‌شود. تا زمانی که دراین زمینه سیاستگذاری ثابتی صورت‌نگیرد، گوش مردم به موسیقی جدی و کیفی عادت نمی‌کند و سلیقه افراد جامعه نسبت به موسیقی خوب تغییر نمی‌یابد. البته این مساله فقط مختص ایران نیست، در کشورهای دیگر هم تعداد مخاطبان موسیقی پاپ بیشتر از دیگر ژانرهای موسیقی است، ولی آنها از این نظر هم با ما تفاوت دارند و برای موسیقی ملی کشورشان برنامه‌ریزی بلندمدت دارند.

ظاهراً به دلیل نبود برنامه‌ریزی در زمینه موسیقی سنتی است که می‌بینیم در سال‌های اخیر، اگرچه تعداد هنرمندان موسیقی ردیف دستگاهی و دانشجویان این رشته افزایش یافته، ولی اقبال عمومی جامعه نسبت به این حیطه کاهش یافته است؟

می‌توان گفت این عدم توازن در سال‌های اخیر در عرصه موسیقی ردیف دستگاهی به دلیل بروز مشکلاتی که پیشتر اشاره کردم بیشتر هم شده است. دراین ارتباط

من همیاری نهادها را تأثیرگذار می‌دانم و بازهم تأکید می‌کنم سیاستگذاران در صداوسیما می‌توانند دیدگاه‌های خود را نسبت به جایگاه موسیقی در تلویزیون تغییر بدهند، پیش از آنکه موسیقی جدی بیش از این به مخاطره بیفتد. البته هنرمندان این وادی سال‌هاست به‌رغم تمام مشکلات، راه خود را ادامه داده‌اند و دراین بین، سلیقه مخاطب است که روزبه‌روز دارد نازل‌تر می‌شود. صداوسیما سال‌هاست که امکانات و بودجه کلان در اختیار دارد، ولی ذره‌ای از این تسهیلات را صرف فرهنگ‌سازی نسبت به موسیقی نکرده است.

البته در سال‌های اخیر برنامه‌هایی مانند «ساعت بیست و پنج» یا مسابقه صدا و ... با محوریت موسیقی برگزار شده ولی به نظر می‌رسد نتوانسته انتظار هنرمندان را برآورده کند؟

برنامه «ساعت بیست و پنج» که اشاره کردید در یک ساعت مرده پخش می‌شد و آن وقت شب واقعاً چه کسی بیدار بود که به تماشای این برنامه بنشیند و آن را به شکل جدی دنبال کند؟! یا یکی دوباره دیگر که

در کانال‌های جام‌جم به موسیقی اختصاص داده شده، ولی هیچ کدام از آنها عملاً ساز را نشان نمی‌دهند، جز برنامه «خیابان جام‌جم» که به تازگی یکشنبه شب‌ها در کانال جام‌جم، ساز لحظاتی نشان داده می‌شود. طبیعی است با برنامه‌های شتازده و بدون عمقی از این دست، نمی‌توان به فرهنگ‌سازی نسبت به موسیقی اصیل ایرانی امیدوار بود.

خود شما به‌عنوان یک هنرمند ساختن چه برنامه‌هایی با محور موسیقی را پیشنهاد می‌کنید؟ ای کاش شرایطی فراهم می‌شد تا به‌عنوان مثال، برنامه‌ای به کارنامه هنری استاد پرویز مشکاتیان اختصاص می‌یافت و دراین برنامه عنوان می‌شد این هنرمند چقدر در کار خود چیره‌دست بوده و چه میراث گرانبهایی از او باقی مانده است. یا همین‌طور برنامه‌هایی به فعالیت استادانی چون حسین علیزاده، زنده‌یاد محمد رضا لطفی و ... ولی مساله این است که خود موسیقی در شرایط کنونی زیر سوال است و در تلویزیون به رسمیت شناخته نمی‌شود. حتی خاطرهم هست در این ارتباط یک‌بار با حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی صحبت می‌کردم و او به این مساله اشاره کرد که قرار است جلساتی با حوزه علمیه قم برگزارند و آنها را متقاعد کنند که موسیقی حرام نیست.

سرانجام این جلسه به کجا رسید؟ نمی‌دانم، فقط می‌دانم قرار بود این جلسات برگزار شود. به‌هر حال امیدوارم هر صحبتی که دراین زمینه می‌شود به نفع موسیقی معاصر باشد.

شما هنرمندی بوده‌اید که شاید بیش از سایر هنرمندان در این سال‌ها به برگزاری کنسرت‌های دیگر به موسیقی مان موفق باشیم؟

واقعیت این است که خیلی در این زمینه پیشرفت نکرده‌ایم، چون به‌هر حال روی این مقوله کم هم کار شده است. ما سالی یک بار جشنواره موسیقی فجر را برگزار می‌کنیم، بعد می‌رود تا سال آینده که دوباره به این رویداد بپردازیم. در صورتی که اگر می‌خواهیم جهانی باشیم، برگزاری یک جشنواره در طول سال به‌تنهایی کافی نیست. به‌عنوان مثال اگر امروز می‌بینیم هند توانسته در این زمینه به‌مراتب بهتر از ما عمل کند به این خاطر است که در این کشور دائماً جشنواره‌های مختلف موسیقی برگزار می‌شود. اصلاً برگزاری خود این جشنواره‌ها باعث می‌شود هنرمندانی از کشورهای دیگر به هند بیایند یا برعکس. به این ترتیب موسیقی هند توانسته بیشتر نزد کشورهای دیگر شناخته شود. البته از گذشته تا امروز هنرمندانی چون حسین علیزاده، کیهان کلهر، حسین بهرۆزی‌نیا و ... با برگزاری کنسرت‌های متعدد در کشورهای دیگر توانسته‌اند در پرنرگ کردن موسیقی



آسیب‌شناسی موسیقی امروز ایران در گفت‌وگو با حمید بهرۆزی‌نیا

موسیقی «فست‌فودی» غذای روح مردم شده است!

صداوسیما برای نجات سلیقه شنیداری مخاطبان کاری نمی‌کند



عکاس: وحید سرایی / فرهنگستان

معاصر نقش به‌سزایی داشته باشند. یا همین‌طور من به سبهم خودم در این سال‌ها با دو گروه بین‌المللی فعالیت‌های مشترک داشته‌ام. یکی از این گروه‌ها مشتمل بر هنرمندانی است که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند و مرکز در چین است و هنرمند مشهوری به نام «تندون» که یکی از مهم‌ترین رهبران ارکستر دنیا به شمار می‌رود و تا به حال جوایز متعددی برده این گروه را سرپرستی می‌کند.

با توجه به اینکه بخش اعظم فعالیت شما در گروه «لوتوس» بر آهنگسازی مبتنی شده است، یک سوال هم در این زمینه داشتم، برخی براین باورند در سال‌های اخیر این حیطه از خلایقیت تهی شده است، نظر شما چیست؟

نه، من با این مساله موافق نیستم و تصور می‌کنم آهنگسازی به مثابه دریای بی‌کرانی است که هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد. به همین خاطر است که گاه می‌بینیم، خواننده‌ای با یک آهنگ به شهرت می‌رسد، این نشان می‌دهد ظرفیت دراین عرصه تمام نشده است. در عین حال براین باورم که آهنگساز برای آنکه بتواند به ارائه اثر خوبی بپردازد باید پیش از هر چیز از مسائل پیرامون خود الهام بگیرد. ضمن اینکه فراموش نکنیم آهنگسازی در هر دوره‌ای مولفه‌های خاص خودش را دارد.

سوال پایانی‌ام در باره استفاده ملودی و شعر است. به نظر شما اینکه یک آهنگساز، ملودی را صرفاً برای یک شعر بسازد خوب است یا اینکه این رویه برعکس باشد و هنرمند اول شعر خوب را بپایند و آن را روی یک ملودی قرار بدهد؟

هر دوی آنچه شما اشاره می‌کنید تا امروز در موسیقی ما اتفاق افتاده است. یعنی آهنگسازی بوده‌اند که ملودی‌هایی داشته‌اند که از بار تأثیرگذاری زیادی برخوردار است و به دنبال شعر خوب می‌گردند، مثل روشی که استاد هما یون خرم در پیش گرفته بود. او ملودی‌های ناب را پیدا می‌کرد و روی آنها شعرهایی می‌گذاشت که مردم هم با آن به سادگی ارتباط برقرار می‌کردند. یک وقت هم هست که یک آهنگساز شعر قوی پیدا می‌کند و دوست دارد آن را در خدمت ملودی قرار بدهد. به‌عنوان مثال در سال‌های اخیر آلبومی با عنوان «فرزند ایران» که آلبومی با کلام بود را هم تهیه کردم و در آن از دوروشی که اشاره کردم بهره‌گرفتم. یعنی قطعه‌ای از شعرهای دیگر را شناسخته شود. البته از گذشته تا امروز هنرمندانی چون حسین علیزاده، کیهان کلهر، حسین بهرۆزی‌نیا و ... با برگزاری کنسرت‌های متعدد در کشورهای دیگر توانسته‌اند در پرنرگ کردن موسیقی

طی روزهای اخیر کتاب نظری درباره تار و سه‌تار از شما منتشر شده است، اگر ممکن است درباره این کتاب توضیح دهید؟

این کتاب «سبزه قطعه بی کلام برای گروه نوازی» نام دارد که طی روزهای اخیر رونمایی شده است. این کتاب مشتمل بر مجموعه‌ای از قطعات بی کلام من برای تار و سه‌تار است که برای کارهای گروهی و در قالب گروه نوازی ساخته شده است.